

تدریج در تطبیق احکام اسلام

(ترجمه)

اندیشه تطبیق تدریجی احکام اسلام، از جمله دیدگاه‌های خطرناک در اسلام به حساب می‌آید؛ چرا که اراده و انگیزه دعوت‌گران راه اسلام را سست می‌سازد و آنان را از پایبندی به اصول ثابت و احکام قطعی شرعی در مواضع و عملکردها دور می‌نماید.

دعوت به تدریج در تطبیق اسلام در اصل به این معناست که دولت‌های کنونی در سرزمین‌های اسلامی، دولت‌های اسلامی‌اند که تنها نیاز به اصلاح دارند؛ در حالی که حقیقت امر این است که این دولت‌ها بر اساس نظام‌های کفر بنا شده‌اند و باید به‌طور کامل از ریشه برچیده شوند، نه آنکه با توجیه «تدریج»، عمرشان تمدید گردد. پوشیده نیست که این رویکرد تدریجی‌گرایانه، واکنشی به دشواری‌های موجود در مسیر اجرای کامل احکام اسلامی است، به‌ویژه در شرایطی که سلطه غرب کافر و حاکمان دست‌نشانده‌اش بر جوامع اسلامی سایه افکنده‌اند.

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش‌گران و اندیشمندان بسیاری درباره آن سخن گفته و نوشته‌اند؛ اما در این نوشتار، بر آن هستیم تا تنها به نکاتی پردازیم که به‌گمانم از برجستگی و اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

نخست: اصطلاح «تدریج» به معنای رسیدن به حکم شرعی مطلوب به‌صورت مرحله‌به‌مرحله است، نه یک‌باره و کامل. از همین رو، گاهی با عنوان «مرحله‌ای‌سازی» نیز از آن یاد می‌شود؛ یعنی فرد مسلمان، در آغاز حکمی را اجرا می‌کند که گرچه شرعی نیست، اما به‌زعم او به حکم شرعی نزدیک است، و سپس به تدریج مراحل را طی می‌کند تا به اجرای کامل آن حکم شرعی برسد.

برای نمونه، زنی مسلمان ممکن است در ابتدا لباسی بپوشد که تنها کمی پایین‌تر از زانو را می‌پوشاند، با این نیت که در آینده، به تدریج به حجاب کامل شرعی برسد. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که «تدریج» به تعداد مشخص و ثابتی از مراحل محدود نمی‌شود؛ ممکن است اجرای یک حکم، یک مرحله، دو مرحله یا حتی بیشتر طول بکشد. به بیان دیگر، روند تدریج بسته به شرایط و اوضاع مختلف، متغیر است.

دوم: ادله‌ای که طرفداران تدریج به آن‌ها استناد می‌کنند، بر پایه‌ی روش صحیح استنباط فقهی بنا نشده‌اند. آنان پس از آن‌که پیشاپیش به این نتیجه رسیده‌اند که «تدریج امری ضروری است»، در پی آن برآمده‌اند که برای این پیش‌فرض خود، دلایل شرعی بتراشند. یعنی به جای آن‌که ابتدا متون شرعی را بررسی کرده و از آن‌ها حکم جواز تدریج را استنباط کنند، برعکس، ابتدا نتیجه را پذیرفته و سپس برای اثبات آن به دنبال آیه یا روایت گشته‌اند.

این رویکرد نادرست، در نحوه استدلالات آنان با برخی آیات قرآن کریم به‌وضوح نمایان است.

أ- آیاتی که به ربا مربوط می‌شوند: از مجموعه آیات مربوط به ربا گفته‌اند که الله سبحانه و تعالی آن را به‌صورت دفعی (یک‌باره) تحریم نکرد، بلکه تحریم آن در چند مرحله نازل شده است. به این صورت که ربا در آغاز مباح بوده است، به استناد این فرموده الله تعالی:

﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاٍ لَّيْرُبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ﴾ [روم: ۳۹]

ترجمه: و آنچه از ربا می‌دهید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد الله (سبحانه و تعالی) فزونی نمی‌یابد؛ و آنچه از زکات می‌دهید و رضای الله (سبحانه و تعالی) را می‌طلبید، آنان همانند کسانی‌اند که پاداش چند برابری می‌گیرند.

سپس تحریم خوردن ربای مضاعف بدون اشاره به مقدار کم آن نازل شد، به‌فرموده الله تعالی:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۳۰]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را چندین برابر نخورید، و از الله پروا کنید، باشد که رستگار شوید.

در نهایت، الله سبحانه و تعالی ربا را به‌صورت قطعی تحریم کرد، و فرمود:

﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ [بقره: ۲۷۵]

ترجمه: و الله (سبحانه و تعالی) خرید و فروش را حلال کرده و ربا را حرام گردانیده است.

برای رد این سخن می‌گوییم: ربا در آغاز با این فرموده‌الله تعالی ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ [بقره: ۲۷۵] تحریم شده است. زیرا سوره بقره همان سوره‌ای است که در آن تحریم ربا نازل شده و این سوره، نخستین سوره‌ای است که در مدینه نازل گردید، چنان‌که مفسران ذکر کرده‌اند. بنابراین چیزی وجود ندارد که دلالت کند بر اینکه ربا به صورت مرحله‌ای تحریم شده است. تعدد نصوص وارد شده در این موضوع مربوط به وقایع معینی است و چیزی در آن‌ها نیست که دلالت بر تدریج داشته باشد.

و این فرموده‌الله سبحانه و تعالی: ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيَرْبُتُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ﴾ [روم: ۳۹] هیچ ارتباطی با ربا ندارد، بلکه معنای آن این است که کسی که بخشش یا هدیه‌ای می‌دهد تا چند برابر آن را یا همان را از مردم بازگیرد، نزد الله سبحانه و تعالی پاداشی ندارد. قرطبی و ابن‌کثیر این معنا را از ابن عباس، مجاهد، ضحاک، قتاده، عکرمه، محمد بن کعب و شعبی نقل کرده‌اند.

و فرموده‌الله سبحانه و تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً﴾ [آل عمران: ۱۳۰] نیز هیچ دلالتی بر مدعای آن‌ها ندارد؛ زیرا این آیه در نهی از خوردن ربای مضاعف نازل شده است با در نظر گرفتن حالتی که مردم جاهلیت در هنگام تعاملات ربوی‌شان به آن عادت داشتند، و چیزی در آیه وجود ندارد که دلالت کند تحریم ربا به ربای مضاعف محدود شده باشد.

ب- آیاتی که به شراب مربوط می‌شوند: از مجموع این آیات، قائلان به تدریج چنین برداشت کرده‌اند که شراب در آغاز مباح بوده است، به دلیل فرموده‌الله سبحانه و تعالی:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعَةٌ لِلنَّاسِ وَآثَمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾ [بقره: ۲۱۹]

ترجمه: از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در آن دو گناهی بزرگ است و سودهایی برای مردم است، ولی گناه آن دو از سودشان بیشتر است.

سپس محدودیت این اباحه نازل شد، و الله سبحانه و تعالی فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾ [نساء: ۴۳]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حالی که مست هستید به نماز نزدیک نشوید، تا زمانی که بدانید چه می‌گویید.

سپس پس از این محدودسازی، نهی از شراب نازل شد، و الله سبحانه و تعالی فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ، إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ [مائده: ۹۰-۹۱]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بی‌گمان شراب، قمار، بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و از کارهای شیطان است، پس از آن دوری کنید، باشد که رستگار شوید. شیطان فقط می‌خواهد به وسیله شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه افکند، و شما را از یاد الله و نماز باز دارد، پس آیا باز می‌ایستید؟

ما می‌گوییم که این آیات دلالت بر تدریج در تحریم شراب نمی‌کنند، زیرا شراب حرام نشده بود، بلکه بر برائت اصلیه (اصل اولیه مباح بودن اشیاء) رها شده بود، تا زمانی که آیات ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ...﴾ [مائده: ۹۰-۹۱] نازل شد. کسی که با دقت در فرموده‌الله سبحانه و تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾ [نساء: ۴۳] تأمل کند، درمی‌یابد که این آیه مسلمانان را از نماز خواندن پس از نوشیدن شراب نهی نکرده، بلکه آن‌ها را از نماز در حالت مستی بازداشته است، تا بدانند چه می‌گویند. و اگر مسلمانی پس از نزول این آیه، در حالی که از او بوی شراب می‌آمد و عقلش را از دست نداده بود نماز می‌خواند، گناهی بر او نبود. و اتفاق نیفتاد که کسی پس

از تحریم شراب، نوشیدن آن را حلال بشمارد، نه در زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم، نه در زمان صحابه، و نه در زمان تابعین و پیروان تابعین؛ و این حکم همچنان باقی خواهد ماند تا آن زمان که الله سبحانه و تعالی زمین و هر آن چه را در آن است به ارث ببرد.

سوم: رسول الله صلی الله علیه و سلم تشریعات جدید را در همان لحظه نزول به مردم ابلاغ می کرد و به پیروی از آن فرمان می داد. بنابراین در اجرای آنچه بر او نازل می شد، به صورت تدریجی عمل نمی کرد. او پس از تحریم چیزی، اجازه انجام آن را نمی داد و پس از نسخ حکمی، به آن عمل نمی کرد. هیچ دلیلی وجود ندارد که نشان دهد رسول الله صلی الله علیه و سلم تطبیق برخی احکام را به تأخیر انداخته باشد یا از صحابه اش خواسته باشد بعضی از احکام را اجرا کنند و اجرای برخی دیگر را به تأخیر اندازند تا از آن فهمیده شود که نوعی تدریج وجود داشته است.

بلکه برعکس، از سیره پاک او درمی یابیم که او صلی الله علیه و سلم دعوت سران قریش را برای کوتاه آمدن حتی اندکی از احکام الله سبحانه و تعالی رد کرد؛ از جمله پیشنهاد قریش مبنی بر نوبتی شدن حاکمیت را نپذیرفت. همچنین، موضع او در برابر قبیله بنی عامر بن صعصعه، هنگامی که از او خواستند که حکومت پس از او از آن ایشان باشد، با آن که در آن زمان سخت به حمایت نیاز داشت، این بود که فرمود:

«الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ يُضَعُّهُ حَيْثُ يَشَاءُ»

ترجمه: کار به دست الله (سبحانه و تعالی) است، او آن را در جایی قرار می دهد که بخواهد.

و نیز برخورد او با قبیله بنی شیبان، هنگامی که نزد او آمدند و گفتند: ای محمد، در میان ما مردانی چون ذرات فراوان، مالی چون خاک بسیار، و اراده و نیرویی همچون کوه ها هست؛ ما تو را بر عرب یاری می کنیم، ولی بر فارس و روم یاری نمی کنیم.

رسول الله صلی الله علیه و سلم به آنان فرمود:

«وَإِنَّ دِينَ اللَّهِ تَعَالَى لَن يَنْصَرُهُ إِلَّا مَنْ أَحَاطَهُ مِنْ جَمِيعِ جَوَانِبِهِ»

ترجمه: و دین الله (سبحانه و تعالی) را جز کسی که از همه جهت به آن پایبند باشد، یاری نخواهد داد.

موضع رسول الله صلی الله علیه و سلم در برابر قبیله بنی ثقیف نیز چنین بود؛ چنان که ابن هشام در سیره خود روایت کرده است: هنگامی که وفد ثقیف نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمدند تا با او مذاکره کنند، از او خواستند که طاغیه یعنی همان بت شان «لات» را سه سال نگهدارد و آن را نابود نکند. رسول الله صلی الله علیه و سلم این خواسته را از ایشان نپذیرفت. آنان هم چنان از او خواستند تا برای یک سال مهلت دهد، ولی او صلی الله علیه و سلم نپذیرفت. تا آن که از او یک ماه مهلت خواستند، ولی باز هم نپذیرفت که چیزی را به صورت مشخص برایشان باقی بگذارد.

این همان روشی است که خلفای پس از ایشان نیز در اجرای احکام اسلام در سرزمین های فتح شده به کار بستند. آنان احکام اسلام را به صورت دفعی و بدون هیچ گونه تأخیر، تعلل یا تدریجی اجرا کردند: رضوان الله علیهم.

چهارم: با نگاهی به واقعیت موجود درمی یابیم که ما از اندیشه تدریج در تطبیق اسلام جز شر و زیان چیزی به دست نیاوردیم، و نمونه های آن بسیار است. از جمله در مصر، اخوان المسلمین به قدرت رسیدند، پس نتیجه چه شد؟! نتوانستند دین را برپا دارند. همچنان سودان، کشور تجزیه شده که مردم آن در فقر و محرومیت به سر می برند. ترکیه، که بسیاری آن را الگویی در حکومتداری می دانند، واقعیتش چنان شد که چراگاه سکولاریسم و پیروی از غرب است. در اردن، بزرگترین دغدغه شان تغییر قانون انتخابات است تا شمار بیشتری از آنان وارد پارلمان شوند. در تونس، کار به جایی رسیده که احکام شرعی قطعی الدلالت قرآن کریم نقض شده اند؛ مانند قوانینی درباره ی برابری در ارث میان مرد و زن و جرم انگاری چند همسری.

امروز در سوریه، می بینیم که هیئت تحریر الشام به نهایت مسیر خود رسید، یعنی سرنگونی نظام؛ آنان امروز بر مسند قدرت اند، اما به برپایی حکومت الله سبحانه و تعالی توجهی نکردند، چرا که خود را در گرو پناه بردن به آغوش کشورهای دیگر قرار دادند. همه ی سرزمین های اسلامی، مجاهدان در غزه را تنها گذاشتند، بلکه حتی بر ضدشان توطئه کردند، در حالی که خود را دولت های اسلامی می نامند.

خلاصه اینکه: ما همواره گفته‌ایم و باز هم می‌گوییم که امت اسلام، امتی کریم است و در آن خیر فراوان وجود دارد، امتی است که مشتاق تطبیق اسلام است. این که تغییر واقعی، جز با تغییر بنیادی، فراگیر و کامل، تحقق نمی‌یابد. این امر تنها در سایه‌ی خلافت تحقق خواهد یافت؛ خلافتی که اسلام را به عنوان نظام و قانون زندگی به اجرا درآورد.

حزب التحریر شب و روز در میان امت و همراه امت برای این هدف کار می‌کند، و مقدمات آن را از جمله، برنامه‌ی کاملی برای دولت، که همان پیش‌نویس قانون اساسی دولت خلافت، شامل احکام دولت برگرفته از کتاب الله و سنت رسول او صلی الله علیه وسلم با استناد به دلیل قوی می‌باشد فراهم کرده است. از الله سبحانه و تعالی مسألت داریم که ما را از شاهدان و سربازان آن قرار دهد.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [نور: ۵۵]

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده که آنان را در زمین خلافت دهد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از ایشان بودند خلافت داد، و دین‌شان را که برایشان پسندیده است، برایشان پابرجا سازد، و پس از ترس‌شان، به آنان امنیت ببخشد. [آنان] مرا عبادت می‌کنند و چیزی را با من شریک نمی‌گیرند، و هر کس پس از آن کفر ورزد، پس آنان همان فاسقان‌اند.

نویسنده: فارس منصور – العراق

مترجم: احمد صادق امین

برگرفته شماره‌های ۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴ مجله الوعی